خبر

برگزاری کنسرت موسیقی موغام آذربایجانی در تالار وحدت

ناصر عطاپور کنسرت موسیقی موغام آذربایجانی را با همراهی گروه «موغام» ۲۱ اسفند در تالار وحدت روی صحنه می‌برد.

این کنسرت دومین بخش از پروژه «هفت شهر عشق» است که اجرای تبریز ۱۵ و ۱۶ اسفند در مرکز همایش‌های بین‌المللی تبریز روی صحنه خواهد رفت و تالار وحدت نیز در یک سئانس ۲۱ اسفند پذیرای این برنامه خواهد بود. موسیقی موغام آذربایجانی به موازات موسیقی دستگاهی ایرانی است اما بیشتر از همه از حیث مایه‌ها و گوشه‌ها نزدیک‌ترین سنت به موسیقی دستگاهی ایرانی محسوب می‌شود. مثلا دستگاه شور در هر دو سنت موغام مهم است و در هر دو به شکل مشابه گسترش می‌یابد. یونسکو سال ۲۰۰۸ موسیقی مقامی آذربایجانی را در میراث معنوی فرهنگی بشر ثبت کرد. وحدت رحیمی، پدرام رنجبر، جعفر نوعی، علی رشیدی، حمید حسن زاده از جمله هنرمندانی هستند که در گروه اجرایی کنسرت حضور دارند.

این در حالی است که لیلی نوایی، عادله بلندی، بهاره دیباور، المیرا دانینده، سانای عباس‌پور به عنوان اعضای گروه کُربانوان و محمدعلی برزگر نوازنده تار، افشین علوی نوازنده کمانچه، آرش سرانی نوازنده بالابان، مهدی مصلح نوازنده عود، آیدین شکری نوازنده ناقارا، کاوه جعفری نوازنده تارباس، روژین قیصری نوازنده قانون و مهدی سرابی نژاد نوازنده پرکاشن دیگر اعضای گروه اجرایی کنسرت را تشکیل می‌دهند./مهر

آسیب‌شناسی مدیریت جشن

جشنواره روی نت با

علی رحیمی
گروه فرهنگ و هنر

سی‌ونهمین دوره جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر نیز به کار خود پایان داد. جشنواره‌ای که با پیشینه‌ای به درازای چهار دهه این انتظار را ایجاد کرده که دیگر باید اعتبار قابل‌توجهی در کشور و سطح بین‌المللی داشته باشد و بتواند در جریان موسیقی کشور تأثیرگذار باشد علاوه بر آن باعث تب و هیجان اجتماعی شود و شور و شوق در جامعه ایجاد کند اما این جشنواره چقدر موفق بوده‌است؟ در سال‌های اخیر جایگاه هنر موسیقی در زندگی مردم جهان بسیار ویژه است و شاید بیش از هر رشته هنری دیگری حتی سینما بر زندگی مردم جهان تأثیر مستقیم دارد. چقدر این تأثیر را در روند برگزاری جشنواره فجر دیده‌ایم؟

عدم توجه به تأثیرگذاری هنر اول

هرکدام از آثار هنری برای تأثیرگذاری بر مخاطب به مفاهیم، داستان‌ها و واژه‌ها نیاز دارد اما هنر موسیقی بدون نیاز به هیچ‌یک از این سه و بدون‌واسطه بر مخاطب خود تأثیر می‌گذارد، حتی موسیقی برای تأثیرگذاری بر مخاطب نیاز به اندیشه و ذهن مخاطب نیز ندارد، مخاطب بدون این‌که بیندیشد یا آگاهانه چیزی را انتخاب کند، تحت تأثیر موسیقی قرار می‌گیرد.

اما آیا این هنر در عرصه سیاست‌گذاری فرهنگی نیز اولویت متناسب با جایگاه خود را دارد؟ حداقل از ظاهر و محتوای جشنواره موسیقی فجر نمی‌توان این گزاره را برداشت کرد. در حالی که حمایت از آثار و جشنواره‌های سینمایی و تئاتر بخش مهمی از بودجه فرهنگی را به خود اختصاص می‌دهد، موسیقی حرفه‌ای کشور هیچ نوع حمایت دولتی دریافت نمی‌کند؛ فقط اظهار وجود مدیریت فرهنگی کشور در عرصه موسیقی تولید سالانه یک یا دو سمفونی توسط ارکستر سمفونیک تهران یا ارکستر ملی است که در یک نگاه واقع‌بینانه شاید یک‌درصد مردم ایران نیز مخاطب چنین آثاری نباشند و در مقابل موسیقی اصیل و بومی ایرانی که مهم‌ترین تأثیر را در فرهنگ ایرانی دارد، تقریبا به حال خود رها شده‌است و جشنواره فجر که تنها فرصت برای موسیقی جدی و اصیل ایرانی برای ارتباط با مخاطب، معرفی تولیدات یک‌ساله و ارائه مباحث علمی و فنی است، چندان اهمیتی نداشته و هر سال با تغییراتی اساسی شکلی جدید به خود می‌گیرد و درنهایت نمی‌تواند جریان‌ساز و دارای هویت باشد.

رقابتی یا تشریفاتی؟

یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین ویژگی‌های پدیده جشنواره، رقابت در قالب جشنواره است. درست است که جشنواره فرصتی برای تضارب آرا، مباحث فنی و علمی، ارائه آثار پژوهشی و رونمایی از تولیدات هنری در یک رشته است اما در همه جای جهان، جشنواره‌های هنری را با رقابت‌ها و جوایزش می‌شناسند. تصور جشنواره بدون رقابت برای مخاطب عام و حتی متخصصان قابل درک نیست. برخی اوقات در اولین سال تأسیس جشنواره‌ها به دلایلی چون کافی نبودن آثار شرکت‌کننده یا امکان حضور حداکثری آثار ـ با سطح و سبک‌های مختلف ـ از طرف مسئولان اعلام می‌شود که جشنواره غیررقابتی است اما این‌که یک جشنواره معتبر چنده‌ساله که نماد اصلی هنر موسیقی یک کشور است غیررقابتی اعلام شود، نوعی انتحار برای آن محسوب می‌شود.

برخی بحران‌های اجتماعی و سیاسی مانند فتنه ۸۸ و ۱۴۰۱ همواره تأثیرات منفی بر شرکت هنرمندان در جشنواره‌های رسمی کشور داشته است. به خاطر نفوذ جریان‌های سیاسی در مجامع صنفی هنری گاهی هنرمندان بزرگ جشنواره‌های فجر را تحریم کرده‌اند، برخی مواقع هم به خاطر سیاست‌های غلط مدیریتی، هنرمندان نسبت به جشنواره‌ها و رویدادها بی‌اعتنا و بی‌اعتماد می‌شوند اما جشنواره‌هایی مانند فیلم فجر هیچ‌گاه رقابت را کنار نگذاشته و این فرصت را به هنرمندان جوان داده‌اند تا با به دست‌آوردن جوایزی که زمانی فقط بزرگان این رشته به‌دست می‌آوردند، برای خود اعتباری دست‌وپا کنند و همواره پس از مدتی بزرگان سینما نیز به این جشنواره برگشته‌اند اما در جشنواره موسیقی فجر برای چند سال رقابت به کنار گذاشته شده و عملا جشنواره به محل همایش و دورهمی هنرمندان تبدیل شد. پس از بازگشت رقابت به جشنواره نیز به‌دلایلی هیچ‌گاه رقابت داغی بین گروه‌ها شکل نگرفت و جشنواره در حد یک رویداد موسیقایی سالانه باقی ماند، رویدادی که شبیه یک جشنواره با رسم و آیین مشخص و ساختار مدون نیست؛ هر سال یک دبیر و چند عضو شورای سیاست‌گذاری که موقتا انتخاب می‌شدند برای ساختار آن تصمیم می‌گرفتند. عدم ثبات در جشنواره مهم‌ترین پیامدی که دارد، این است که مخاطب نمی‌تواند تصوری ثابت از جشنواره را در ذهن خود داشته و هر ساله منتظر آن باشد؛ به طور مثال ده‌ها سال است که مردم می‌دانند جایزه اسکار در چه ماهی از سال و طی چه فرآیندی اعطا می‌شود، لذا در زمان مقرر می‌دانند که باید منتظر باشند و در طول سال این فرآیند را دنبال می‌کنند.

فقدان ارزش افزوده و بی‌اعتباری جوایز

وقتی مهم‌ترین جشنواره موسیقایی کشور آکادمی و مرکزی برای تحقیق، پژوهش و تدوین ندارد و محتوایی در طول سال تولید نمی‌کند؛ طبیعی است که ساختار و شیوه اجرای جشنواره تابع یک فهم عمیق و اندیشمندانه سیاست‌گذاری مدون نیست، بلکه هر بار با سلیقه و ذائقه موسیقایی یک یا چند نفر برای آن برنامه‌ای کوتاه‌مدت و اغلب چندماهه تدوین می‌شود و پس از اجرای جشنواره همه چیز به فراموشی می‌رود، حتی دفتر موسیقی با معاونت هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز به عنوان نهاد بالادستی، برنامه مدونی برای این جشنواره ندارد؛ چراکه مدام دچار تغییرات مدیریتی و کشمکش بین هنرمندان و مدیران این مرکز است.

وقتی سیاست مشخصی وجود ندارد، پس معیارهای رقابت هم نمی‌تواند مدون باشد؛ لذا هم هنرمندان نمی‌دانند با چه معیارهایی قرار است در سال آینده و سال‌های بعد رقابت کنند و هم مخاطب وجود معیارهای متقن برای رقابت‌های جشنواره را باور ندارد که برای منتخبان جشنواره جایگاهی ویژه قائل باشد، البته ممکن است هنرمند یا گروهی بیشترین جوایز یا مهم‌ترین جوایز این جشنواره را کسب کند اما جامعه اعتنایی به آن نداشته باشد؛ در حالی که به‌طور طبیعی مخاطبان به منتخبان جشنواره‌ها به‌عنوان هنرمندان برتر و موفق نگاه کرده و از آنها در گیشه حمایت می‌کنند.

بی‌توجهی به مزایای موسیقی ایرانی

موسیقی ایرانی به‌عنوان یکی از مکاتب مستقل موسیقی در جهان، ویژگی‌های منحصربه‌فرد خودش را دارد. در اغلب کشورهای مهم دنیا موسیقی مستقل کلاسیک به نام آن فرهنگ وجود ندارد، به‌طور مثال در کل بستره جغرافیایی اروپا یک موسیقی کلاسیک وجود دارد و هر منطقه‌ای سبک‌های موسیقی محلی خود را دارد اما گستره فرهنگی ایران چیزی به نام موسیقی دستگاهی معادل موسیقی کلاسیک غرب دارد که ویژگی‌های مختص خود را دارد؛ عدم استفاده از این ویژگی‌ها فرصت‌سوزی بزرگ جشنواره موسیقی فجر است. یکی از این ویژگی‌ها بداهه‌نوازی و آواز اصیل ایرانی است. استفاده از ظرفیت بداهه‌نوازی و بداهه‌خوانی می‌تواند رقابتی اصیل و مخصوص فرهنگ ایرانی را در جشنواره رقم بزند، گواه این توانایی رویداد ماندگار و مهمی به نام کنکور آواز در دهه ۵۰ شمسی است که دارای اعتباری مثال‌زدنی بوده و همه کسانی که در این کنکور به رتبه برتر دست یافتند، بعدها به خوانندگان بزرگ کشور تبدیل شدند.

وقتی مهم‌ترین جشنواره موسیقایی کشور آکادمی و مرکزی برای تحقیق، پژوهش و تدوین ندارد طبیعی است که ساختار و شیوه اجرای جشنواره تابع یک فهم عمیق و اندیشمندانه سیاست‌گذاری مدون نیست

مزیت‌های موسیقی دستگاهی و نواحی ایران می‌تواند ساختار جشنواره را به‌گونه‌ای دیگر رقم بزند تا رقابت‌هایی براساس این ویژگی‌ها و همخوان با فرهنگ ایرانی در جشنواره شکل بگیرد، به‌طور مثال مسابقه‌های آواز که در محافل و قهوه‌خانه‌های گذشته رایج بود و دو خواننده بر سر مخالف‌خوانی و خواندن پرده‌های بالاتر با هم به رقابت می‌پرداختند. همچنین گستردگی نغمات، گونه‌ها و سازهای محلی می‌تواند به‌عنوان بستر جذابیت خاص جشنواره قرار بگیرد، هرچند از ابتدای حیات جشنواره، بخش بومی محلی نیز تأسیس شده اما این بخش به‌عنوان حاشیه‌ای و بدون توجه ویژه برگزار می‌شود و مخاطبان عام جامعه در جریان این وسعت و تنوع قرار نمی‌گیرند. البته موسیقی نواحی دارای یک جشنواره مستقل است اما نباید فراموش کرد گستردگی جشنواره موسیقی فجر به‌عنوان یک برند در حوزه موسیقی می‌تواند بر اهمیت این موضوع بیفزاید، در حالی که شاهد هستیم این نوع از موسیقی که بیانگر تنوع فرهنگی و دارای فرهنگ اصیل ایرانی است در حاشیه قرار دارد؛ هرچند که رقابتی‌کردن این بخش می‌تواند به قوت و اعتبار جشنواره کمک شایانی داشته باشد.

نشان باربد و ظرفیت جهانی

آزمون باربد نخستین بار در سال ۱۳۵۴ به ابتکار استاد بزرگ موسیقی ایرانی، نورعلی‌خان برومند توسط رادیو تلویزیون ملی در رشته‌های مختلف نوازندگی و آواز برگزار شد و به‌واسطه استادان بزرگی که به‌عنوان داور حضور داشتند و روشمندی بسیار دقیق، دارای اعتباری ویژه شد؛ به‌واسطه خاطره خوبی که اهل موسیقی از این آزمون داشتند و عنوان «باربد» که نام نخستین موسیقیدان تاریخ فرهنگ ایران است، در سال ۱۳۹۴ جایزه‌ای به‌عنوان باربد در جشنواره موسیقی فجر بنیان گذاشته شد، این جایزه در سال ۱۳۹۷ تعطیل شد و دوباره از سال ۱۳۹۹ احیا شد.

در سال ۱۳۹۴ که با داوری بزرگان موسیقی کشور مقرر بود نشان باربد اهدا شود، بزرگانی چون حسین علیزاده، اردشیر وهوشنگ کامکار نامزدها و برندگان این جایزه بودند و در سال بعد چهره‌هایی مانند همایون شجریان، محمد معتمدی و علیرضا قربانی در این مسابقه شرکت داشتند ولی پس از تعطیلی این بخش و بازگشت دوباره بخش رقابتی در سال ۱۳۹۹ دیگر خبری از چهره‌های مذکور نبود و عملا موسیقیدانان دست‌چندم برندگان این جوایز شدند.

این جایزه می‌توانست اعتبار شایان توجهی برای جشنواره کسب کند اما چند دلیل که مهم‌ترین آنها وقفه سال ۹۷ و ۹۸، عدم حضور استادان به‌عنوان داور در سال‌های بعد و تکثر تعداد جوایز، باعث شد از این فرصت استفاده بهینه‌ای نشود. تکثر جوایز یک جشنواره نه‌تنها کمکی به آن نمی‌کند، بلکه از اهمیت هریک از جوایز می‌کاهد؛ چراکه هر کالایی که به‌وفور یافت شود، ارج و ارزش کمتری دارد. در جشنواره موسیقی فجر جایزه باربد در رشته‌های مختلفی مانند آهنگسازی کلاسیک، اجرای موسیقی نواحی، خوانندگی نواحی، خوانندگی دستگاهی، آهنگسازی دستگاهی بی‌کلام، آهنگسازی دستگاهی باکلام، آهنگسازی پاپ، خوانندگی پاپ، بهترین آلبوم دستگاهی کلاسیک، پاپ معاصر و... اهدا می‌شود که شامل ۱۲ جایزه باربد است؛ در حالی که اگر در هر جشنواره یک تا سه نشان باربد اهدا شود، می‌تواند این نشان را به یک نشان ارزشمند تبدیل کند که برنده‌اش به‌عنوان برگزیده موسیقی کشور در سال گذشته در جامعه شناخته شود.

موسیقی پاپ، تیر آخر بر پیکر بی‌جان جشنواره

موسیقی پاپ با دستور و پیگیری صفار هرندی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت نهم اولین‌بار در جشنواره فجر وارد شد. در همان سال بسیاری از بزرگان، ورود آن به جشنواره را زمینه نابودی جشنواره دانستند اما وزیر وقت در مصاحبه‌ای به‌صورت تمام‌قد از آن دفاع کرد. تا قبل از آن جشنواره موسیقی فجر فارغ از ضعف‌هایی که داشت یک جشنواره حرفه‌ای با معیارهای سختگیرانه بود و در بین اهالی موسیقی دارای اعتبار ویژه بود؛ هرچند مخاطب عام به خاطر آنچه پیشتر گفته شد، چندان پیوند و ارتباطی با جشنواره نداشت. هدف از ورود موسیقی پاپ به جشنواره تقویت توجه مخاطب عام به آن بود ولی در نتیجه جشنواره، دچار بی‌اعتباری حرفه‌ای شد. در سال‌های نخست هنوز معیارهای سختگیرانه برقرار بود و اندک خواننده‌های نیمه‌حرفه‌ای در این بخش شرکت می‌کردند و البته برخی آهنگسازان با دانش که از سال‌های پیش در سبک‌های مختلف آهنگسازی کرده بودند، آهنگسازانی مانند فریدون شهبازیان، محمد سریر و... اما رفته‌رفته برای این‌که خوانندگان عامه‌پسندتر بتوانند در جشنواره حضور داشته باشند، سطح داوری و معیارها تنزل کرد و کم‌کم خوانندگانی که حداقل استانداردهای خوانندگی پاپ را نداشتند به‌عنوان شرکت‌کننده و حتی نامزد جایزه باربد در جشنواره پذیرفته شدند؛ به گونه‌ای که در سال ۱۳۹۴ حسین علیزاده و مرتضی پاشایی هر دو نامزد جایزه باربد در بخش‌های مختلف بودند یا در همان سال اردشیر کامکار و مهدی یراحی هر دو جایزه باربد گرفتند؛ طبیعی است که در سال بعد هنرمندانی مانند علیزاده، کامکار و... در این جشنواره حضور نداشته باشند.

از طرف دیگر در حالی که هنرمندان موسیقی نواحی که اغلب بزرگان موسیقی کشور هستند و اعتبار بین‌المللی دارند و حتی بر صحنه سالن‌های بزرگی مانند رویال هال لندن اجرا کرده‌اند، در جشنواره فجر به سالن‌های کوچک و بدون مخاطب بسنده می‌کنند اما بخش پاپ که برخی از آثارش حتی در جشنواره پذیرفته نشده و خارج از مسابقه است، در سالن‌های بزرگ و چندهزار نفری برگزار می‌شود؛ جشنواره‌ای که باید وسیله ارتقای موسیقی فرهنگی و ارزشمند باشد، به محل

به‌طور کلی می‌توان مشکلات جشنواره فجر را به طور خلاصه این گونه دسته‌بندی کرد:

۱ نداشتن چشم‌انداز و برنامه مدون

۲ عدم رابطه با بدنه و میدان اصلی موسیقی کشور

۳ تعدد جوایز و مشخص نبودن ساختار داوری

۴ عدم زمینه‌سازی برای معرفی بهتر موسیقی فرهنگی

۵ نبود فضای رقابتی درست و ایجاد انگیزه برای حضور در جشنواره

۶ حذف بدنه اصلی فرهنگی موسیقی و فضا دادن به موسیقی غربی در جشنواره

۷ شیوه ارزش‌گذاری بر تولیدات موسیقی در بازه یک‌ساله

۸ ارج نهادن در شیوه جدول اجرایی به موسیقی پاپ به جای موسیقی نواحی و کلاسیک

قاب

فراخوان کنگره ملی شعر شهید القدس

به منظور پاسداشت مقاومت تاریخی ملت مظلوم فلسطین و پایداری جانانهٔ مردم غزه در ماه‌های اخیر و همچنین گرامیداشت یاد و خاطرهٔ شهیدالقدس «حاج قاسم سلیمانی»، بنیاد مکتب حاج قاسم کنگرهٔ ملی شعر شهید القدس در دو بخش شعر کلاسیک و شعر نو را با موضوعات مقاومت تاریخی مردم فلسطین، قدس شریف، طوفان‌الاقصی و بخش ویژه نقش شهید حاج‌قاسم سلیمانی در مقاومت ملت فلسطین (شهیدالقدس) برگزار می‌کند. شرکت‌کنندگان تا ۲۰ فروردین ۱۴۰۳ فرصت دارند، آثار خود را از طریق پست الکترونیکی info@soleimani.ir یا آیدی @soleimani_pub در پیام‌رسان‌های بله، ایتا، روبیکا و تلگرام به دبیرخانه جشنواره ارسال کنند.

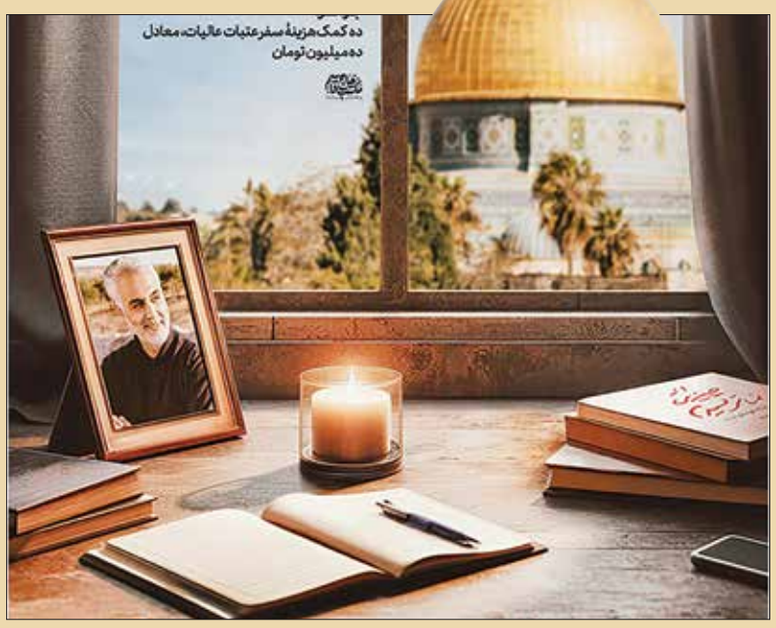

رویداد

برگزاری دومین نشست بین‌المللی موسیقی مقاومت

دومین نشست بین‌المللی موسیقی مقاومت با موضوع «موسیقی مقاومت و الزامات آن» با حضور تعدادی از اساتید، پژوهشگران و موزیسین‌های داخلی و خارجی از کشورهای حوزه مقاومت اسلامی و شمال آفریقا از جمله دکتر محمود واعظی رئیس دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، فاطمی رئیس مرکز مطالعات و راهبردی ژرفا، فریدون باقری مدیر عامل موسسه بین‌المللی تقارب فرهنگ‌ها، دکتر رفیعی رئیس اندیشکده رسانه و هنر ژرفا، دکتر مصطفی یوسف الداوی و استادان برخط کشورهای عراق، لبنان، فلسطین و تونس در دانشکده الهیات دانشگاه تهران برگزار شد. این نشست از سوی مرکز مطالعات راهبردی ژرفا، دانشکده الهیات دانشگاه تهران و مؤسسه بین‌المللی تقارب فرهنگ‌ها برنامه‌ریزی شده بود. نخستین نشست موسیقی مقاومت روز چهارشنبه ۲۵ بهمن با حضور مهمانان و استادانی از لبنان، سوریه، یمن، عراق و همچنین مهمانانی از داخل کشور برگزار شده بود. همچنین سومین نشست بین‌المللی موسیقی مقاومت صبح چهارشنبه ۱۶ اسفند با حضور صاحب‌نظرانی از آسیای میانه، افغانستان، پاکستان و چین و چهارمین نشست، بعد از ظهر همان روز با حضور موزیسین‌هایی از اروپا و آمریکا برگزار خواهد شد.

جهان‌نما

اجرای مشترک ساکت با یک آهنگساز ژاپنی

کیوان ساکت به همراه TSUMUZI (آهنگساز و نوازنده ژاپنی) در توکیو روی صحنه می‌رود. کنسرت ایرانی ژاپنی کیوان ساکت، سیاوش ساکت و TSUMUZI در دو روز آخر اسفندماه؛ یعنی ۲۸ و ۲۹ اسفند (۷ و ۸ مارچ) از ساعت ۱۸ تا ۲۰ در تالار لیبرا (libra hall) ژاپن برگزار می‌شود. TSUMUZI آهنگساز و نوازنده ویولن ژاپنی است که به دلیل ویژگی‌های استایل موسیقی‌اش بیشتر به عنوان «آقای پنج ضربه» یا «آقای وزن‌های نامتقارن» شناخته می‌شود TSUMUZI که در توکیو زندگی می‌کند، فعالیت موسیقی خود را در حالی آغاز کرد که در یک دانشکده پزشکی تحصیل می‌کرد و اولین آلبوم استودیویی خود را با نام «والس شیطانی یک روح - تانگوی ۲۶ فوریه» سال ۲۰۱۳ پس از دریافت مدرک پزشکی‌اش منتشر کرد. او تاکنون چهار آلبوم دیگر از جمله The Guernica Dogma ،۲۰۱۵ Libertango ،۲۰۱۶ My Own ،۲O۲O JAPON NEO SOUL (۲۰۱۹)، کتاب پنج متری (۲۰۲۲)، پنج ضربه در مرز (۲۰۲۳) منتشر کرده است./ایسنا